

بررسی انتقادی دیدگاه‌های روبرتو توتولی درباره حضرت صالح (ع) در قرآن

حسن رضایی هفتادار^۱

صفر نصیریان^۲

سیفعلی زاهدی‌فر^۳

حبیبه منصوری^۴

تاریخ دریافت: ۲۱ تیرماه ۱۴۰۴ . تاریخ پذیرش: ۱۹ مردادماه ۱۴۰۴ . نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

روبرتو توتولی (Roberto Tottoli) ایتالیایی یکی از خاورشناسانی است که به بررسی معارف قرآنی، از جمله داستان پیامبران پرداخته‌اند. وی در پژوهش‌های خود، به تجزیه و تحلیل داستان حضرت صالح (ع) و قومش در قرآن پرداخته و در این زمینه دیدگاه‌هایی ابراز داشته است. مقاله حاضر با روش توصیفی-تحلیلی، به بررسی انتقادی دیدگاه‌های وی درباره موضوع پیش‌گفته مبادرت ورزیده است. بررسی دیدگاه‌های توتولی در مورد حضرت صالح (ع) و قومش در قرآن، بیانگر تسلط این مستشرق غربی بر آیات قرآن است. از نگاه توتولی، داستان صالح (ع) و شتر ماده، هیچ نظیری در دیگر سنت‌های دینی ندارد. مقصود وی آن است که از عدم مشابهت معجزه حضرت صالح (ع) با معجزات سایر پیامبران، عدم امکان وقوعی آن را نتیجه بگیرد؛ ولی به این نکته توجه ندارد که خداوند به فراخور حکمتش و نیز اقتضای نیازهای زمان، معجزات پیامبران را متفاوت از یکدیگر قرار داده است. به نظر توتولی، حضرت صالح (ع) از همان ابتدای بعثت، به همراه ناقة فرستاده شد. با تأملی دقیق در آیات قرآن، روایات و منابع تاریخی، بی‌پایه بودن این نظر مشخص می‌گردد. تأمل در دیدگاه‌های توتولی درباره حضرت صالح (ع) نشان می‌دهد که وی ظاهراً انتظار دارد قرآن، همانند کتب عهدین، جزئیات دقیق داستان پیامبران را بیان کند؛ اما باید توجه داشت که قرآن برخلاف این کتب، غالباً به بیان کلیات مسائل دینی، از جمله سرگذشت پیامبران بسنده کرده و شرح جزئیات این امور را به پیامبر (ص) به عنوان مفسر قرآن محول نموده است.

واژگان کلیدی: قرآن، صالح (ع)، قوم ثمود، معجزه ناقة، روبرتو توتولی.

۱. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشکده الهیات دانشکدگان فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران؛ hrezaii@ut.ac.ir

۲. استادیار گروه آموزش معارف اسلامی دانشگاه فرهنگیان تهران، تهران، ایران؛ s.nasirian488@cfu.ac.ir

۳. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران؛ s_zahedifar@yahoo.com

۴. کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران، تهران، ایران؛ habibeh.mansouri113@gmail.com

۱. مقدمه

حضرت صالح (ع) یکی از انبیای عرب محسوب می‌شود. وی با زبان عربی، مردم را انداز می‌کرد (ابن عطیه اندلسی، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۲۴۰ و قمی مشهدی، ۱۴۲۳ق، ج ۹، ص ۱۲۷). نام آن حضرت نه بار در قرآن آمده است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰، ص ۸۰؛ ج ۱۱، ص ۴۳ و ج ۷۳، ص ۷۷). او از اولاد ثمود بن عاثر بن ارم بن سام بن نوح (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۶۷۸) و از خاندانی آبرومند و صاحب افتخار و معروف به عقل و کفایت بود (هود: ۶۲؛ نمل: ۴۹ و ثقفی تهرانی، ۱۳۹۸، ص ۹۴).

بر اساس تاریخ‌نگاری مسلمانان، زمان ظهور حضرت صالح (ع) در میان قوم ثمود، مقدم بر نبوت حضرت ابراهیم (ع) بوده است (طبری، ۱۳۵۲، ص ۲۱۶). مقابر متعددی به صالح (ع) نسبت داده شده که مشهورترین آنها همان است که در قبرستان وادی السلام نجف اشرف است (رامین‌نژاد، ۱۳۸۷، ص ۳۲).

قرآن در آیات زیادی حضرت صالح (ع) را پیامبر قوم ثمود معرفی می‌کند. این قوم به دلیل پیروی نکردن از او، دچار عذاب شدند. افراد این قوم، مردانی قوی و تنومند بودند و خانه‌های خود را در میان صخره‌ها و کوه‌ها می‌ساختند. قوم ثمود از نه قبیله تشکیل می‌شدند. صالح (ع) سال‌ها قوم خود را به خداپرستی دعوت کرد و گروهی اندک به او پیوستند. قوم صالح (ع) از او نشانه نبوت خواستند. صالح (ع) به امر الهی شتری سرخ‌موی و ماده‌ای را از دل کوه بیرون آورد و فرمود این نشانه‌ای است در میان من و شما. حرمت آن را بدارید، شتر آبشخور خود را می‌داند و به هر جا که میل دارد می‌رود و کسی مانع آن نشود، اما قوم ثمود حرمت ناقه را پاس نداشتند و سرانجام نه تن از جوانان قوم متحد شدند و تصمیم به کشتن ناقه گرفتند و آن را پی کردند و کشتند. پس از این حادثه، صالح (ع) به آنان وعده داد که پس از سه روز دچار عذاب الهی خواهند شد. بعد از سه روز، صاعقه همه‌جا را فراگرفت و دمار از قوم او درآورد. صالح (ع) و پیروانش از این حادثه در امان ماندند. بقایای قوم صالح (ع) و اصحاب حجر، برای عبرت‌آموزی آیندگان باقی ماند (اعراف: ۷۳-۷۹؛ هود: ۶۱-۶۸؛ شعراء: ۱۴۱-۱۵۹؛ قمر: ۲۳-۳۲؛ مؤمنون: ۳۱-۴۱؛ نمل: ۴۵-۵۳؛ حجر: ۸۰-۸۴؛ فصلت: ۱۷-۱۸؛ ذاریات: ۴۳-۴۵؛ حاقه: ۴-۸؛ فجر: ۹؛ شمس: ۱۱-۱۵ و فرقان: ۳۸).

خاورشناسان، پژوهش‌های گسترده‌ای را درباره انبیای عرب در قرآن انجام داده و در این زمینه آثاری را به رشته تحریر درآورده‌اند. روبرتو توتولی از زمره این خاورپژوهان به شمار می‌رود. وی به بررسی داستان حضرت صالح (ع) و قومش در قرآن پرداخته و در این باره دیدگاه‌هایی را بیان کرده است. تحلیل انتقادی دیدگاه‌های توتولی در مورد داستان حضرت صالح (ع) و قومش در قرآن، موضوع پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهد. تا آنجا که بررسی شد، تحقیقی در زمینه دیدگاه‌های توتولی درباره صالح (ع) و قومش در قرآن و آسیب‌شناسی آنها انجام نشده است؛ لذا این نوشتار می‌کوشد تا با روش توصیفی-تحلیلی، به پرسش ذیل پاسخ دهد: دیدگاه‌های توتولی درباره حضرت صالح (ع) و قومش در قرآن چیستند؟ و چه نقدهایی بر آنها وارد است؟ از آنجا که بررسی

انتقادی نظریات‌های توتولی درباره حضرت صالح (ع) در قرآن، محل بحث جستار پیش رو است، بنابراین به عنوان مقدمه به زندگی‌نامه علمی وی اشاره می‌گردد.

روبرتو توتولی، خاورشناس ایتالیایی، در ۵ سپتامبر سال ۱۹۶۴م در ویلانوا سول کلیسی دیده به جهان گشود. او مقطع کارشناسی خود را در رشته ادبیات و زبان‌های شرقی در دانشگاه کافوسکاری ونیز در سال ۱۹۸۸ به پایان رساند و مطالعات دکترای خود را در مؤسسه دانشگاهی خاورشناسی ناپل از سال ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۶ و در دانشگاه عبری در سال ۱۹۹۳-۱۹۹۴ انجام داد. او در دانشگاه تورین از سال ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۲ مطالعات اسلامی و از سال ۲۰۰۲ در دانشگاه ناپل، مطالعات اسلامی و ادبیات عرب اسلامی تدریس کرده است. تحقیقات مورد علاقه او، بر روی ادبیات و سنت مسلمانان متمرکز شده است. وی مطالعات اولیه و دکترای خود را به داستان‌های پیامبران کتب مقدس در قرآن و ادبیات اسلامی، به خصوص در قرون اولیه اسلام اختصاص داده است. او بعدها علاقه‌مندی‌اش را به ادبیات حدیث، تفسیر قرآن و همچنین به ادبیات معاصر مسلمانان بسط داد و از سال ۲۰۰۱ مقالاتی در مورد ادبیات پژوهشی در اسلام نوشته است.

توتولی به عنوان یک خاورشناس، درباره موضوعات مربوط به اسلام و جهان اسلام، آثاری را به رشته تحریر درآورده است. وی در کنفرانس‌ها و کنگره‌های متعدد بین‌المللی سخنرانی نموده و کتاب‌ها و مقالات علمی متعددی منتشر کرده است. مهم‌ترین زمینه‌های پژوهشی توتولی بدین قرارند:

تاریخ مذاهب اسلامی؛ ملاحظات چند در باب واژه جان در آیات ۱۰ سوره نمل و ۳۱ سوره قصص؛ متون نقلی و داستانی در قرآن و تفاسیر اسلامی (Tottoli, 2006, pp. 467-480)؛ انبیای توراتی در قرآن و متون اسلامی (Tottoli, 2002a, pp. 2-14)؛ رکوع و سجود در قرآن (Tottoli, 2001, vol. 1, pp. 254-255)؛ الیاس در قرآن (Tottoli, 2002b, vol. 2, pp. 12-13)؛ یسع در قرآن (Tottoli, 2002c, vol. 2, p. 14)؛ حزقیل در قرآن (Tottoli, 2002d, vol. 2, p. 154-155)؛ فرعون و ساحران در سنت اسلامی؛ یادداشت‌هایی در باب مسئله تغییر کیش؛ عمران در قرآن (Tottoli, 2002e, vol. 2, p. 509)؛ مقدمه تفسیر شیخ شعراوی؛ قارون در قرآن (Tottoli, 2003a, vol. 3, pp. 104-105)؛ اصحاب کهف در قرآن (Tottoli, 2003b, vol. 3, pp. 374-375)؛ سیاق‌ها و شیوه‌های استفاده از حدیث در متون تفسیری کهن؛ بررسی تفسیر آیات ۸۵ سوره انبیاء و ۱ سوره اسراء؛ تفسیر جدید اسلامی و رد اسرائیلیات؛ افسانه‌های مربوط به عصای موسی که مار شده است؛ نظریات‌های اسلامی در باب سجود (Tottoli, 1998, pp. 5-34)؛ نکته‌ای در باب دیدگاهی جدید راجع به «اسرائیلیات»؛ خاستگاه و کاربرد اصطلاح «اسرائیلیات» در متون اسلامی (Tottoli, 1999, pp. 193-210)؛ بررسی موضوع زمهریر (انسان: ۱۳) در قرآن، تفاسیر قرآن و روایات اسلامی (Tottoli, 2008, pp. 142-152)؛ شخصیت‌های عهدین در قرآن؛ اصحاب‌الآخود در قرآن (Tottoli, 2004a, vol. 4, pp. 43-44)؛ پیامبران توراتی در سنت اسلامی؛ رقیم در قرآن (Tottoli, 2004b, vol. 4, pp. 351-352)؛

اصحاب الرّس در قرآن (Tottoli, 2004c, vol. 4, pp. 352-353)؛ صالح در قرآن (Tottoli, 2004d, vol. 4, pp. 521-522)؛ شعیب در قرآن (Tottoli, 2005, vol. 5, pp. 60-62)؛ خواب در قرآن (Tottoli, 2004e, vol. 4, pp. 605-606)؛ قصص انبیاء در سنت عربی- اسلامی؛ روایات و مجادلات در باب سجود القرآن در کتب حدیثی (Tottoli, 1997, pp. 371-393)؛ حیات موسی در سنت اسلامی؛ قرآن و عهدین؛ و حیات عیسی بر اساس روایت اسلامی.

یکی از موضوعاتی که لازم است دیدگاه‌های روبرتو توتولی در خصوص آن مورد ارزیابی قرار گیرد، پژوهش وی درباره حضرت صالح (ع) در قرآن است. با توجه به اینکه تاکنون پژوهشی در تبیین یا نقد دیدگاه‌های وی در این خصوص به نگارش درنیامده، نوشتار حاضر بر آن است تا دیدگاه‌های انتقادی وی در این خصوص را با روش توصیفی- تحلیلی و اتکا به یافته‌های مزبور، بررسی و نقد نماید.

۲. بررسی دیدگاه‌های روبرتو توتولی درباره حضرت صالح (ع)

پژوهش انتقادی توتولی درباره داستان حضرت صالح (ع) و قومش در قرآن، از نکات مثبتی برخوردار است. توجه او به جزئیات داستان حضرت صالح، تسلط وی بر آیات قرآن و استفاده او از منابع تاریخی جهت بررسی هرچه بیشتر موضوع مورد بحث، ازجمله این نکات محسوب می‌شوند. با این حال، برخی از دیدگاه‌های توتولی درباره حضرت صالح (ع) و قومش در قرآن را نمی‌توان پذیرفت که در ادامه، به ارزیابی آنها پرداخته خواهد شد (Tottoli, 2004d, vol. 4, pp. 521-522).

۱-۲. تشکیک در واقعی بودن داستان حضرت صالح (ع)

توتولی بدون توجه به قرائن و شواهد تاریخی در منابع اسلامی و نیز یافته‌های باستان‌شناسی جدید و با اکتفا به قبول برخی مسائل بدیهی درباره داستان حضرت صالح (ع) و ماده شترش، با بهره‌گیری از منابع غیراسلامی، می‌نویسد:

اگرچه قوم ثمود در منابع دیگر نیز شناخته شده، اما شواهد نام صالح (ع) بسیار نادر است. به علاوه داستان صالح و شتر ماده، هیچ نظیری در دیگر سنت‌های دینی ندارد (Ibid., p. 522).

بررسی

مقصود توتولی از تعبیر «منابع دیگر» در عبارت «اگرچه قوم ثمود در منابع دیگر نیز شناخته شده»، منابع تاریخی غیراسلامی است. از این رو به نظر می‌رسد که وی نسبت به اصالت منابع اسلامی بدبین است. متأسفانه این بدبینی در بیشتر خاورشناسان معاصر نیز وجود دارد. بنابراین باید از آنها پرسید که چرا در بررسی‌های تاریخی، معیار صحت و سقم مسائل را منابع مورد قبول خودشان قرار می‌دهند، درحالی‌که علی‌القاعده باید قرائن و شواهد تاریخی را ملاک قضاوتشان قرار دهند.

بدین ترتیب، اگر توتولی در کلیات و جزئیات داستان حضرت صالح (ع)، قرائن و شواهد تاریخی را

فارغ از منابع خاص و نیز یافته‌های باستان‌شناسی دنبال می‌کرد، به دیدگاه درستی در این باره می‌رسید. در ادامه، به برخی از این قرائن اشاره می‌شود:

باستان‌شناسان در جاهای گوناگونی از شبه جزیره عربستان که گستره پهناوری از جوف در شمال تا طایف در جنوب و از احساء در شرق تا یثرب و مدین در غرب را فرامی‌گیرد و نیز در راه‌هایی که به عقبه، اردن و سوریه می‌رسد و حتی در حضرموت، در بخش جنوبی شبه جزیره، سنگ‌نوشته‌های ثمودی بسیاری را یافته‌اند که دلایلی استوار و آشکارند بر اینکه ثمودیان در روزگاری ساکنان اصلی شبه جزیره عربستان بوده‌اند و از اینجاست که قرآن در آیه‌های بسیاری، از ثمودیان یاد کرده است (مهران، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۲۳۳). هم‌اکنون آثار فراوانی از این قوم در موزه‌های لندن، پاریس و برلین وجود دارد و گفته می‌شود مقدار فراوانی از این آثار نیز قبلاً در موزه استانبول بوده و در حال حاضر در صندوق‌های محفوظ، در شهر «حیفا» است (بتنونی، ۱۳۸۱، ص ۴۳۹).

بدین ترتیب، باتوجه به کثرت گروه‌هایی که ثمود نامیده می‌شدند و امروزه بقایای تمدن آنها در مناطق وسیعی از شبه جزیره عربستان گسترده است، طبیعی است که جزئیات داستان حضرت صالح (ع) و قومش، در بطن سایر تمدن‌های مشابه به فراموشی سپرده شده باشد. بنابراین، احتمال اینکه برخی از این آثار، مرتبط با داستان صالح (ع) باشد، به شدت زیاد است.

بر اساس بیشتر منابع اسلامی،^۱ زیستگاه ثمودیان مورد نظر قرآن، از حجر تا وادی القری، میان حجاز و شام بوده است (بکری، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۴۲۶؛ ابن هشام، ۱۴۱۰ق، ج ۴، ص ۱۶۱ و یاقوت حموی، ۱۹۹۵م، ج ۱، ص ۱۱۵؛ ج ۲، ص ۵۸؛ ج ۳، ص ۸۱ و ج ۴، ص ۸۱). اتفاقاً مفسران نیز همین نقل را پذیرفته‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶، ص ۱۲۷ و ۵۲۸؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۱۱، ص ۳۳۹ و فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۱۱۹). وادی القری میان تیماء و خیبر و در بزرگی و وسعت، همانند مکه و مدینه و یمامه است. ابن کلبی گوید:

آنجا را از آن رو وادی القری می‌گویند که از ابتدا تا انتهای آن وادی، همه قریه‌هایی به هم پیوسته‌اند. وادی القری از گذشته دور، از آبادترین مناطق جزیره العرب بوده است. هنوز باوجود ویرانه‌هایی که از آن قریه‌ها برجای مانده است، آب‌ها از چشمه‌ها جوشیده، بر روی زمین جاری گشته و تباه می‌گردند و هیچ‌کس از آنها سودی نمی‌برد (یاقوت حموی، ۱۹۹۵م، ج ۳، ص ۸۱ و ج ۴، ص ۸۱).

حجر نیز قریه کوچکی با مردمی اندک در شمال وادی القری، به فاصله یک روز راه، در میان کوه‌هاست که منازل ثمود در آنجا بوده است. مقدسی گوید:

۱. در منابع تاریخی اسلامی، احتمال دیگری هم درباره مکان جغرافیایی قوم حضرت صالح (ع) وجود دارد که طرفدار کمتری دارد. برخی مورخان، بلندی‌های اردن امروزی را به عنوان بخشی از مسکن آنان دانسته‌اند (علی، ۱۹۷۶، ج ۱، ص ۳۲۸). در ناحیه‌ای که امروزه در کشور اردن به نام «مداین صالح» و «پترا» شناخته می‌شود، هنوز خانه‌های حیرت‌انگیز ثمودیان که از سنگ تراشیده شده و گمان می‌رود، متعلق به همان قوم حضرت صالح (ع) است، در این محل دیده می‌شود، و یکی از مهم‌ترین جاذبه‌های گردشگری اردن به شمار می‌رود (رامین نژاد، ۱۳۸۷، ص ۳۱).

حجر شهری کوچک، اما استوار است که چاه‌ها و مزارع بسیار دارد. بقایای خانه‌ها و آثار شگفت‌انگیز ثمود در آنجاست (همان، ج ۱، ص ۱۱۵ و ج ۲، ص ۵۸).

در تأیید دیدگاه اخیر، برخی روایات نیز وجود دارند:

در زمان عزیمت سپاه اسلام از مدینه به تبوک، هنگام عبور از ناحیه حجر، پیامبر (ص) از بیم آنکه مبادا همراهانش دچار بلایی شوند که به قوم ثمود رسیده بود، سفارش کرد از آب آنجا نیشامند و با آن وضو گیرند و به خانه‌های بازمانده از مردم ثمود وارد نشوند (بکری، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۴۲۶ و ابن هشام، ۱۴۱۰ق، ج ۴، ص ۱۶۱) و با حالتی گریان از آنجا بگذرند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶، ص ۵۲۸). سپس حضرت فرمود: عجله کنید و از این مکان بگذرید که شما در سرزمین ملعون و نفرین شده‌ای هستید (حقی بروسوی، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۴۲۵).

تصویر ۱: موقعیت جغرافیایی حجر یا مدائن صالح (ع)



تصویر شماره ۱، موقعیت جغرافیایی منطقه حجر را طبق روایاتی که بیان می‌کنند پیامبر (ص) به شخصه از آن گذر کرده است، مشخص می‌کند. در این روایت آمده است که پیامبر (ص) در میان راه مدینه و تبوک، از منطقه حجر گذر کرده است. تصویر فوق هم نشان می‌دهد که حجر در میانه این راه قرار دارد، اما دیدگاه توتولی در این باره که داستان صالح (ع) و شتر ماده هیچ نظیری در دیگر سنت‌های دینی ندارد، ناشی از عدم درک درست وی درباره برخی از ویژگی‌های معجزات پیامبران است. این ویژگی‌ها عبارتند از:

الف) معجزه امری الهی است و به فرمان او صادر می‌شود و پیامبران تنها وسیله‌ای برای تحقق این امر هستند، بنابراین، آنها از خود اختیاری ندارند که مثلاً معجزه‌ای بیاورند که شبیه معجزات پیامبران گذشته باشد.

ب) گاهی معجزه به درخواست خود مردم و بنا به نیازهای زمانی آنها انجام می‌شود که معجزه حضرت صالح (ع) از همین نوع بوده است. در هر صورت، در این قسم از معجزه نیز، پیامبر صاحب معجزه، در انتخاب نوع معجزه نقشی ندارد.

نتیجه دو مقدمه پیش‌گفته در این نکته خلاصه می‌شود که معجزات پیامبران، به فراخور زمان، متفاوت از یکدیگر بوده‌اند؛ چنان‌که در روایت ابن‌سکیت و پرسش وی از امام هادی (ع) به همین نکته توجه شده است.

ابن‌سکیت از امام هادی (ع) پرسید: چرا خدا حضرت موسی (ع) را با عصا و ید بیضا، و از بین بردن جادو، حضرت عیسی (ع) را با طبابت و درمان، و حضرت محمد (ص) را با سخن و سخنرانی، برانگیخت؟ حضرت فرمود: چون خدا موسی (ع) را زمانی مبعوث کرد که جادوگری بر مردم آن زمان غلبه داشت؛ پس او ازطرف خدا چیزی آورد که مانندش از توانایی آنها خارج بود و به‌وسیله آن، جادوی آنها را باطل ساخت و حجت را بر ایشان ثابت کرد. و عیسی (ع) را در زمانی فرستاد که فلج و زمین‌گیری زیاد شده بود و مردم نیاز به طب داشتند؛ پس او از جانب خدا چیزی آورد که مانندش را نداشتند، بنابراین وی به اذن الهی مردگان را زنده کرد و نابینای مادرزاد و پیس را درمان نمود و حجت را بر ایشان تمام کرد، و حضرت محمد (ص) را در زمانی فرستاد که سخن و سخنوری زیاد شده بود؛ پس آن حضرت ازطرف خدا پندها و حکمت‌هایی شیوا آورد که گفتار آنها را باطل کرد و حجت را بر ایشان تمام نمود. ابن‌سکیت گفت: به خدا سوگند! هرگز مانند تو را ندیدم. بفرمایید در این زمان، حجت خدا بر مردم چیست؟ فرمود: عقل است که به‌وسیله آن، راست‌گو را می‌شناسد و تصدیقش می‌کند و دروغ‌گو را می‌شناسد و تکذیبش می‌کند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۴).

۲-۲. گزارشی پراکنده از داستان صالح (ع) و رخدادهای زمینه‌ساز عذاب

توتولی با تأکید بر شیوه پراکنده‌گویی قرآن در بیان ابعاد مختلف داستان حضرت صالح (ع)، بدون توجه به حکمت آن، به‌نوعی می‌خواهد این شبهه را القا کند که چرا قرآن به شیوه یکپارچه‌گویی داستان‌های پیامبران در کتب مقدس یهودی- مسیحی عمل نکرده است. وی در این باره می‌نویسد:

در آیاتی چند به داستان او پرداخته می‌شود و در آیات دیگر، از قوم ثمود و سرنوشت ایشان سخن به میان می‌آید. قرآن سرگذشت این پیامبر و رخدادهای زمینه‌ساز عذاب و هلاک قومش را به طور کامل روایت نمی‌کند (Tottoli, 2004d, vol. 4, p. 521).

بررسی

نقدهایی بر دیدگاه‌های روبرتو توتولی در این بخش وارد است که بدین قرارند:

الف) تفاوت سبک قرآن با کتب مقدس یهودی - مسیحی

ظاهراً توتولی انتظار دارد قرآن مانند کتب یهودی - مسیحی که داستان پیامبران را با جزئیات دقیق بیان می‌کنند، عمل کند؛ درحالی‌که روش قرآن، به دلایل ذیل متفاوت از روش این کتب است:

یک - قرآن در عین اشتراکی که با سایر کتب آسمانی از نظر نازل شدن از طرف خداوند دارد، از سبک خاصی نیز برخوردار است. این کتاب آسمانی، غالباً به بیان کلیات مسائل دینی از جمله در داستان پیامبران اکتفا، و جزئیات این امور را به بیان پیامبر (ص) به عنوان مفسر قرآن واگذار می‌کند. یکی از دلایل این نوع سبک، ویژگی اعجاز بیانی قرآن در جهت فائق شدن بر فنون بیانی عرب عصر نزول است. در این راستا، یکی از مؤلفه‌های اعجاز بیانی قرآن، اختصارگویی آن است. بنابراین، به ناچار قرآن از بیان بسیاری از جزئیات خودداری کرده است.

دو - هدف اصلی قرآن، بیان داستان گذشتگان نیست؛ بلکه داستان گذشتگان را به منظور معرفی چهره‌های دینی و در رأس آنها پیامبران به عنوان الگوهای برتر جامعه و نیز بیان سرنوشت امت‌هایی که بعضاً به مخالفت با دین و رودرو شدن با این چهره‌ها پرداخته‌اند، به منظور عبرت‌گیری است. استفاده از واژگانی مانند «عبرت»، «فتنه» و «آیه» در بیان داستان پیامبران و امت‌های آنان، در همین راستاست (اعراف: ۷۳؛ یونس: ۹۲؛ یوسف: ۱۱۱ و قمر: ۲۷). بنابراین می‌توان گفت هدف اصلی قرآن از بیان این نوع داستان‌ها، هدایت مردم است. به همین دلیل، قرآن هر از گاهی درباره بخشی از داستان صحبت می‌کند که باهدف هدایتی آن سازگار است.

سه - بسیاری از جزئیات داستان پیامبران که در کتب یهودی - مسیحی آمده، چیزی جز افسانه‌های ساخته و پرداخته شده توسط عموم مردم که نسل در نسل در لسان آنها نقل شده، نیست. برخی از نسبت‌های ناروایی که در این کتب به پیامبران داده شده، از همین نوع است. (سفر پیدایش، باب ۹، آیه ۲۵-۲۵؛ باب ۱۱، آیه ۲۹؛ باب ۱۹، آیه ۳۰-۳۸؛ باب ۲۵، آیه ۱۹-۳۴؛ باب ۲۷؛ باب ۳۲، آیه ۲۲-۳۱؛ باب ۳۸، آیه ۱۵-۳۰؛ سفر خروج، باب ۳۲؛ سفر لاویان، باب ۱۵؛ باب ۱۸، آیه ۹ و ۱۵؛ سفر اعداد، باب ۱۹؛ سفر تثئیه، باب ۱۳، آیه ۱۲-۱۸؛ کتاب اول سموئیل، باب ۱۳، آیه ۱۳؛ باب ۱۵؛ آیه ۱۰-۱۱ و ۲۳؛ باب ۱۶، آیه ۱۴؛ باب ۱۸، آیه ۲۸-۲۹؛ باب ۱۹، آیه ۱؛ کتاب دوم سموئیل، باب ۱۱-۱۲؛ کتاب اول پادشاهان، باب ۱۱ و کتاب هوشع، باب ۱، آیه ۲-۴).

روش توتولی در بررسی آیات مربوط به داستان حضرت صالح (ع) و قوم او، بر تفکیک بین آیات مختلف قرآن از جهت لفظی استوار است؛ درحالی‌که اگر وی مبنای بررسی این آیات را به تفکیک معنوی انجام می‌داد، چه بسا به این نکته رهنمون می‌شد که آیات قرآن به‌رغم پراکندگی مطالب آنها در یک موضوع مشخص، از نظر معنایی رابطه‌ای نزدیک، نظیر عام و خاص و مطلق و مقید با یکدیگر دارند.

ب) توجه به اهداف تربیتی سوره شعراء

قرآن به فراخور اهداف تربیتی خود، اجزای مختلف داستان یک پیامبر را در آیات مختلف قرآن توزیع کرده و در این مسیر، همان اندازه از داستان را به کار می‌گیرد که در راستای این اهداف است. ازجمله این اهداف می‌توان به ارتباط هر بخش از داستان، به حادثه‌ای خاص از حوادث زمان پیامبر(ص) و مسلمانان اشاره کرد. متأسفانه توتولی نتوانسته این ارتباط را به خوبی درک کند؛ ازاین‌رو به نحوه گزارش قرآن از این جزئیات خرده گرفته است و برچسب پراکندگی به آنها می‌زند. این در حالی است که می‌توانست این آیات را در بستر خودشان مورد مطالعه قرار دهد که در این صورت می‌دید که گوناگونی روایت قرآن از یک داستان، چه دلیلی دارد.

بدین ترتیب، برای قضاوت کلی درباره داستان، لازم است همه آیات مرتبط به داستان پیامبران در کنار هم دیده شوند. مع‌الأسف، توتولی در بررسی داستان حضرت صالح(ع) و قومش، برخلاف این شیوه، با روشی جزئی‌نگرانه به داستان توجه کرده است. ازاین‌رو نتوانسته است علت پراکندگی این آیات را درک کند.

ازنظر توتولی، یکی از نمونه‌هایی که باعث تعجب انسان بوده و می‌توان آن را تأییدی بر پراکنده‌گویی قرآن در روایت داستان حضرت صالح(ع) و قومش دانست، این مطلب است که در یک آیه از قرآن آمده است که قوم ثمود، پیامبران متعددی را تکذیب کردند (شعراء: ۱۴۱). این طرز نگاه به آیاتی از یک سوره، بدون توجه به هدف خاص تربیتی آن سوره، درست نیست.

سوره شعراء به موضوع نهضت انبیا، از حضرت نوح(ع) تا حضرت محمد(ص) و یادآوری سرانجام دشمنان آنان پرداخته است و بیشتر بر روی اصول اعتقادی، توحید، معاد، دعوت پیامبران و اهمیت قرآن تأکید می‌کند. مفسران، تذکر به مشرکان برای عبرت‌گیری از سرگذشت امت‌های پیشین و دل‌داری به پیامبر(ص) در برابر تکذیب‌ها و تهمت‌های قومش را از اهداف اصلی این سوره دانسته‌اند (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۵، ص ۲۴۹ و مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۵، ص ۱۷۹-۱۸۰).

بدین ترتیب باید گفت سوره شعراء، که مشتمل بر آیه ۱۴۱ است و نیز آیات بسیاری از این سوره که همگی به صورت بسیار خلاصه، داستان چندین پیامبر گذشته را مورد تأکید قرار می‌دهند، دو هدف اساسی دارند که یکی عبرت دادن به مشرکان و دیگری روحیه دادن به پیامبر(ص) برای استقامت بیشتر در رسالتش است، ازاین‌رو دیده می‌شود که در آیات دیگری از سوره، گریزی به حوادث دوره پیامبر(ص) و قومش زده می‌شود و نسبت به عاقبت آنها هشدار و نسبت به تحمل ناملایمات توسط آن حضرت، امید داده می‌شود. این مسئله موجب شده تا آیات این سوره، در نقل داستان حضرت صالح(ع) صرفاً به نقل برخی ابعاد آن تمرکز کنند.

۲-۳. اختلاف در نوع عذاب قوم ثمود

توتولی با زیرکی خاصی می‌کوشد با کوبیدن بر طبل اختلاف روایت آیات قرآن در تبیین داستان حضرت صالح (ع)، شبهه ناهماهنگی بین آنها را القا کند؛ چنان‌که وی درباره نوع عذاب قوم ثمود می‌گوید:

عذاب به شکل زلزله‌ای درآمد که ثمودیان را فراگرفت (اعراف: ۷۸) یا صاعقه‌ای که تمامشان را هلاک ساخت (فصلت: ۱۳). درواقع، هنگامی که صالح (ع) پی برد ثمودیان چه بلایی بر سر شتر آورده‌اند، این سرانجام را پیش‌بینی کرد و اظهار داشت که ظرف سه روز، عذاب بر ایشان نازل خواهد شد (هود: ۶۵). در برخی آیات قرآن به این عذاب اشاره می‌شود که فریاد (یا نعره) فرستاده شده از جانب خداوند (هود: ۶۷؛ حجر: ۸۳ و قمر: ۱۳) که ثمودیان را هلاک کرد و ایشان را در منازلشان از پای درآورد (هود: ۶۷). صالح (ع) و ایمان‌آوردندگان طبیعتاً در امان ماندند (هود: ۶۶ و نمل: ۵۳) (Tottoli, 2004d, vol. 4, pp. 521-522).

بررسی

در برخی روایات، برای قوم ثمود، دو عذاب صیحه و صاعقه توأمان ذکر شده است؛ چنان‌که نقل است: «چون نیمه‌شب شد، جبرئیل نزد آنها آمد و بر ایشان فریادی زد که گوش‌هایشان را سوراخ کرد، دل‌هایشان را شکافت و جگرهایشان را پاره کرد. سپس خداوند همراه با آن فریاد، آتش (صاعقه) ای از آسمان فرستاد که همه آنها را به خاکستر تبدیل نمود (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۱۸۸-۱۸۹).

ناگفته نماند در روایاتی از این دست گفته شده در مدت سه روز مانده به عذابی که حضرت صالح (ع) از آن خبر داده بود، نشانه‌هایی از عذاب ظاهر شد. در روز اول، چهره‌هایشان به رنگ زرد، در روز دوم به رنگ سرخ و در روز سوم به رنگ سیاه درآمد (همان).

در این میان، امکان جمع بین سه عذابی که توتولی به اقتباس از آیات قرآن بیان کرده است وجود دارد؛ هرچند خود وی به دلیل عطف انواع عذاب به یکدیگر توسط حرف «یا»، به امکان جمع بین آنها معتقد نباشد. می‌توان گفت پایه عذاب قوم ثمود، صیحه یا همان فریاد آسمانی بوده است که به دلیل غیرطبیعی بودنش، همراه با زلزله، ظهور و بروز پیدا کرده است، اما عذاب صاعقه هم می‌تواند به عنوان عذاب مکمل باشد. به‌ویژه آنکه ثمودیان به این دلیل خانه‌هایشان را در دل صخره‌ها پدید آورده بودند که از زلزله‌های مهیب در امان باشد. بااین حال، با عذاب نوع سوم، دیگر امکان نجات هیچ‌یک از آنها عملاً وجود نداشت؛ چنان‌که قرآن در بیان داستان حضرت هود (ع) و قومش می‌فرماید: «فَهَلْ تَرَى لَهُمْ مِّنْ بَاقِيَةٍ؟» «آیا کسی از آنها را باقی می‌بینی؟» (حاقه: ۸) و یا در آیه دیگری می‌فرماید: «... فَذَمْدَمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُمْ بِذُنُوبِهِمْ فَحَسَواْهَا»؛ «... لذا پروردگارشان آنها را به خاطر گناهی که مرتکب شده بودند درهم کوبید و سرزمینشان را صاف و مسطح نمود!» (شمس: ۱۴).

این احتمال نیز وجود دارد که عذاب صاعقه، در راستای ایجاد تفاوت بین عذاب الهی و حادثه طبیعی زلزله اضافه شده باشد تا کسی نگوید آنان در اثر زلزله و به صورت طبیعی از دنیا رفته‌اند. دقیقاً عبرت بودن عاقبت این قوم برای اقوام پس از آنها که قرآن بر آن تأکید دارد، از این طریق محقق می‌شود (شعراء: ۱۵۸-۱۵۹). همچنین این عبرت‌گیری، با عدم سکونت اقوام دیگر در محل عذاب قوم نمود که طبعاً نحوست پیدا کرده است، همراه خواهد بود که می‌توان آن را حکمتی دیگر برای نوع سوم عذاب قلمداد کرد.

۴-۲. فرستاده شدن حضرت صالح (ع) به همراه ناقه

توتولی با تعبیری دوپهلو سعی دارد در اصالت تاریخی داستان حضرت صالح (ع) و ماده شترش تشکیک کند. وی با آنکه در بیان داستان آن حضرت، در بیشتر موارد، عین آیات قرآن را به کار می‌گیرد، به ناگاه، با یک تغییر رویه، درباره معجزه وی، یعنی ناقه، تعبیری شخصی به کار می‌بندد. او در این باره اظهار می‌دارد:

حضرت صالح (ع) همراه با شتر ماده‌ای فرستاده شد (Tottoli, 2004d, vol. 4, p. 521).

توتولی در ادامه تأکید می‌کند:

روایت آیات ۴۵ تا ۵۳ سوره نمل تقریباً به طور کامل با روایات دیگر آیات تفاوت دارد و جزئیاتی از قبیل شتر ماده یا حادثه‌ای که به ویرانی منازلشان انجامید، در آن نیامده است (Ibid., p. 522).

بررسی

تعبیر روبرتو توتولی که می‌گوید «صالح (ع) به همراه شتر ماده‌ای فرستاده شد»، صحیح به نظر نمی‌رسد؛ زیرا شتر وی بعد از برگزیده شدنش به پیامبری و به درخواست قومش به منصه ظهور رسید. درواقع وی همراه با آن شتر به رسالت مبعوث نشد. این مسئله، مفاد آیات و روایات است که ادله آن به شرح زیر است:

الف) ادله نفی مبعوث شدن حضرت صالح (ع) به همراه ناقه

بنا بر دلایل قرآنی و روایی، حضرت صالح (ع) به همراه ناقه به نبوت برانگیخته نشد که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرند.

یک- دلایل قرآنی

دلایل قرآنی بیانگر آنند که حضرت صالح (ع) از ابتدا به همراه شتر ماده فرستاده نشده است؛ بلکه خارج شدن ماده شتر از دل کوه، درخواست معجزه‌ای است که قوم صالح (ع) از وی داشتند و خداوند آن را تحقق بخشید. دلایل مورد بحث، بدین قرارند:

- در هیچ یک از آیات قرآن نیامده است که به سوی ثمود، برادرشان صالح (ع) را همراه با ماده شتری فرستادیم.

- ثانیاً، بعضی از آیات قرآن به طور صریح بیان می کنند که ابتدا حضرت صالح (ع) به سوی قومش فرستاده شد و سپس در پی تکذیب و مخالفت قومش و اینکه از وی ماده شتری را درخواست کردند تا به عنوان معجزه ای برای صدق ادعایش باشد، آن شتر ماده به اذن الهی از دل کوه بیرون آمد. آیات ۱۴۱ تا ۱۵۸ سوره شعراء دقیقاً به همین توالی اشاره دارند؛ چنان که آیات ۲۳ تا ۲۷ سوره قمر نیز بیانگر توالی و ترتیب پیش گفته اند. علاوه بر این، مفسران نیز بر همین مطلب تأکید دارند که به برخی از دیدگاه های آنان در این باره اشاره می شود:

اول- قوم ثمود، ماده شتر را برای آنکه دلیلی بر نبوت صالح (ع) باشد، از وی درخواست کردند و خدا قول داد که آن را به طور اعجاز خواهد فرستاد و به پیامبرش توصیه کرد که منتظر عاقبت کارشان باشد و بر اذیتشان صبر کند (قرشی، ۱۳۷۷، ج ۱۰، ص ۴۵۴).
دوم- این ناچه، به ناچه الله وصف شده و این مطلب بدان معناست که آن ماده شتر، معجزه الهی بوده و به عنوان پاسخی به تحدی قوم، به دست پیامبر قوم ثمود ظاهر شده است (دروژه، ۱۳۸۳ق، ج ۲، ص ۱۴۱).

دو- دلایل روایی

علاوه بر آیات قرآن، روایات اهل بیت ((ع)) نیز مؤیدی بر این مطلب هستند که حضرت صالح (ع) از ابتدا به همراه شتر ماده فرستاده نشده، بلکه این معجزه به درخواست قوم ثمود و البته با دعای آن حضرت و به اذن الهی تحقق یافته که در ادامه، به روایاتی در این باره اشاره می شود:

اول- ابابصیر می گوید از امام صادق (ع) درباره آیه ﴿كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِالنُّذُرِ * فَقَالُوا أَبَشَرًا مِنَّا وَاحِدًا نَتَّبِعُهُ إِنَّا إِذًا لَفِي ضَلَالٍ وَسُعُرٍ * أَأَلْقَى الذِّكْرُ عَلَيْهِ مِنْ بَيْنِنَا بَلْ هُوَ كَذَّابٌ أَشِرٌّ﴾؛ «طایفه ثمود (نیز) اندازهای الهی را تکذیب کردند و گفتند: آیا ما از بشری از جنس خود پیروی کنیم؟! اگر چنین کنیم در گمراهی و جنون خواهیم بود! آیا از میان ما تنها بر این مرد وحی نازل شده است؟ نه، او آدم بسیار دروغ گوی هوس بازی است» (قمر: ۲۳-۲۵) پرسیدم! آن حضرت در توضیح آیه فرمود: قطعاً خداوند هیچ قومی را عذاب نمی کند مگر بعد از آنکه پیامبری را در میان آنها مبعوث کرده باشد تا بر آنان اتمام حجت کند. اما دلیل اینکه خداوند قوم ثمود را عذاب کرد، آن بود که آنها صالح (ع) را بعد از اینکه خداوند وی را در میان آن قوم برانگیخت و او آنها را به سوی خداوند دعوت کرد، آنها وی را اجابت نکردند و گفتند تا زمانی که از این صخره برای ما ناچه ای باردار بیرون نیآوری به تو ایمان نخواهیم آورد. آنها گفتند به درگاه خداوند دعا کن تا برای ما از دل صخره، ماده شتری حامله بیرون آورد. خداوند طبق خواسته آنها، آن شتر را از دل آن صخره بیرون آورد و به پیامبرش وحی کرد که به آنها گوشزد کند یک روز در میان، آب را بین خودشان و این شتر تقسیم کنند و آنها چنین کردند. روزی که آب مال شتر

بود، فراوان از شیر آن استفاده می‌کردند و روز بعد خودشان از آن آب استفاده می‌نمودند. وضعیت تا مدت‌ها به همین منوال بود تا اینکه برخی چنین وضعیتی را برنتابیدند و درصدد نحر شتر برآمدند و گوشت آن را خوردند. خداوند به آنها سه روز مهلت توبه داد، ولی نپذیرفتند تا آنکه در مهلت سه روز، به تدریج آثار عذاب الهی نمایان شد و نهایتاً بعد از سه روز، خداوند آنها را با چند نوع عذاب همزمان از بین برد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۱۸۷-۱۸۹).

اگر ناقه همراه صالح (ع) آمده باشد، پس می‌توان گفت کل دوره پیامبری صالح (ع) تنها چند روز بوده است؛ زیرا طبق آیات قرآن، ناقه مدت کوتاهی بعد از ظهور، به دست مشرکان پی شد و قوم ثمود بعد از پی کردن ناقه، فقط سه روز دیگر زنده بودند (شعراء: ۱۵۵-۱۵۷).

دوم- در بسیاری از روایات بر این مطلب تأکید شده که حضرت صالح (ع) در سن شانزده سالگی به سوی قوم ثمود که هفتاد بت را به عنوان شرکای خداوند می‌پرستیدند، فرستاده شد. ایشان تا سن ۱۲۰ سالگی (حدوداً به مدت ۱۰۴ سال)، مردم را به پرستش خدای یگانه دعوت کرد و خداوند بعد از ۱۲۰ سال و در پی درخواست قوم ثمود، شتر ماده‌ای را به عنوان معجزه برای او فرستاد (ابوحمره ثمالی، ۱۴۲۰ق، ص ۱۷۱؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۱۸۵-۱۸۶؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۳۸۲-۳۸۳ و بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۵۶۲-۵۶۳).

در ادامه داستان بیان شده است وقتی آنها چنین درخواستی کردند، حضرت صالح (ع) مباحله‌ای را با آنها ترتیب داد که انتخاب کنید آیا من از خدای خود بخواهم که خواسته شما را برآورده کند و یا اینکه شما از خدایان خود چنین درخواستی را داشته باشید. پس از آن، اگر خدایان شما خواسته‌تان را برآورده کردند، من شما را ترک می‌کنم که شما از من خسته شده‌اید و من هم از شما. آنها گفتند که ما از خدایان خود چنین خواسته‌ای را می‌خواهیم. وقتی آنها بعد از کلی تمنا و درخواست از بت‌ها، به هدفشان نرسیدند، از حضرت صالح (ع) خواستند که وی از خدای خود چنین درخواستی را داشته باشد که در صورت اجابت این خواسته از سوی خدای او، آنها ایمان بیاورند. وی نیز دعا کرد و خداوند خواسته او را اجابت نمود (همان).

ب) اهداف تربیتی سوره نمل

تأکید توتولی بر تفاوت روایت سوره نمل با سایر سوره‌ها، از جهت عدم اشاره به شتر آن حضرت، تداعی‌گر شبهه عدم هماهنگی بین آیات قرآن است. بنابراین، برای دفع این شبهه، در ادامه به برخی از ادله این تفاوت اشاره می‌شود:

یک- سبک و سیاق قرآن در نقل داستان پیامبران، سبک خاصی است. از این رو، قرآن همانند کتاب رمان یا داستان نیست که از ابتدای یک داستان تا انتهای آن را مطرح کند؛ بلکه به اقتضای مقام و در راستای اهداف تربیتی خود به نقل این قبیل داستان‌ها می‌پردازد.

در این میان، هدف اصلی سوره نمل، بشارت و انذار مردم و توجه دادن آنان به اصول معارف، مانند وحدانیت ربوبی خداوند و معاد (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۵، ص ۳۳۹)، و نیز اشاره به علم بی پایان پروردگار، نظارت او بر همه چیز در عالم هستی و حاکمیت او در میان بندگان است که توجه به این معارف، اثر تربیتی زیادی در انسان دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۵، ص ۳۹۱).

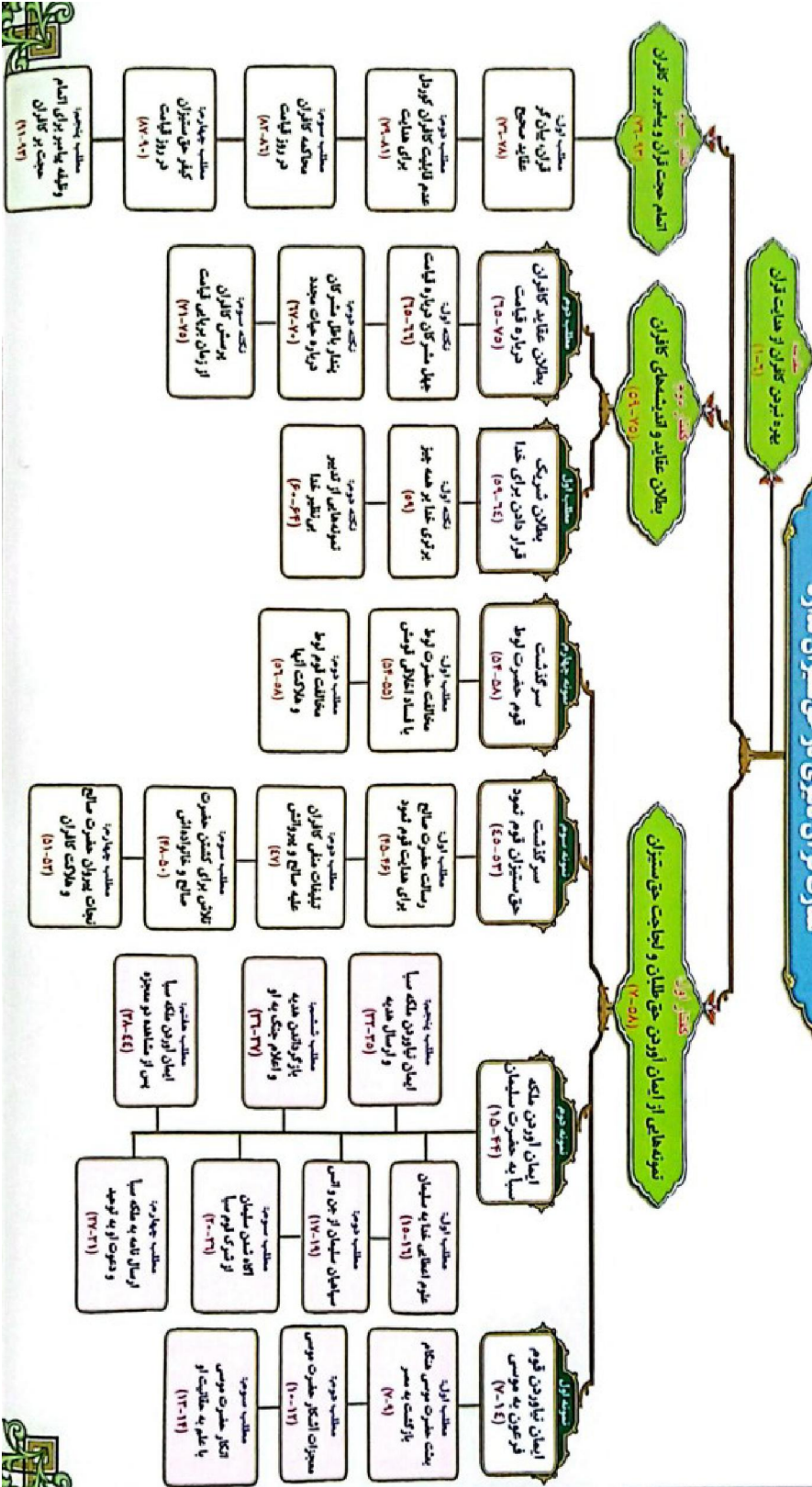
در راستای همین هدف تربیتی، سوره نمل به صورت مختصر به داستان برخی پیامبران، از جمله موسی، داوود، سلیمان، صالح و لوط، و مبارزه آنان با اقوام منحرف خود پرداخته است (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۵، ص ۳۳۹) که هدف از آن، دلداري برای مؤمنان مکه به عنوان گروهی که در اقلیت بودند و نیز هشداري است برای مشرکان لجوج مکه که سرانجام کار خویش را با عبرت از تاریخ طاغیان گذشته ببینند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۵، ص ۳۹۱).

دو- در همین سوره نیز قرآن به جریان شتر حضرت صالح (ع) اشاره کرده است؛ زیرا بنا بر تفاسیر، در عبارت توییخی حضرت صالح (ع) که وی خطاب به قومش می گوید: «قَالَ يَا قَوْمِ لِمَ تَسْتَعْجِلُونَ بِالسَّيِّئَةِ قَبْلَ الْحَسَنَةِ»، تعبیر «سیئه» به عذاب ناشی از کشتن شتر حضرت صالح (ع) و «حسنه» به توبه و استغفار از گناه کشتن شتر اشاره دارد (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۵، ص ۳۷۳). تصویر شماره ۲ بیان گر موضوعات سوره نمل می باشد.^۱

۱. تصویر (۲) از کتاب (خامه گر، محمد (۱۳۹۲)، مجموعه کامل ساختار سوره های قرآن کریم، قم، نشر) تصویربرداری شده است.

五

سورہ مبارکہ ذیل ۲۷



۲-۵. اختلاف مفسران درباره جزئیات داستان حضرت صالح (ع)

توتولی با تأکید بر اختلاف نظر برخی مفسران و نویسندگان متون قصص الانبیاء در بیان جزئیات داستان صالح (ع)، سعی می‌کند در اصالت داستان حضرت صالح (ع) تشکیک نماید. وی در این باره می‌گوید:

مفسران قرآن و نویسندگان متون قصص الانبیاء، جزئیات بیشتری درباره حضرت صالح (ع) بیان کرده‌اند؛ مثلاً برخی اظهار می‌کنند که صالح (ع) رسالتش را همانند محمد (ص) در چهل سالگی آغاز کرد و در پنجاه و هشت سالگی هم در مکه درگذشت. درباره اصل و نسب صالح (ع) و شیوه کشتن شتر ماده، اخبار متفاوتی وجود دارد و گهگاه نام شکنجه‌کننده شتر ماده و همدستان او نیز ذکر می‌شود. عذابی که قوم ثمود را هلاک کرد، از سه روز قبل اعلام شد؛ نخست چهره‌هایشان زرد، سپس سرخ و بعد سیاه گشت و در روز چهارم، همگی‌شان مردند. در روایتی منسوب به پیامبر (ص)، قصه یکی از افراد قوم ثمود ذکر می‌شود که از مرگ گریخت؛ زیرا در هنگام وقوع عذاب، در سرزمین مقدس مکه بود. ولی این مرد که ابورغال نام داشت، پس از ترک این سرزمین مقدس گرفتار عذاب شد (Tottoli, 2004d, vol. 4, p. 522).

بررسی

در بررسی جزئیات داستان پیامبران، باید چندین مطلب، مبنا و محور باشند:

(الف) با آیات قرآن مطابق باشند؛

(ب) با مبانی عقلی در تعارض نباشند؛

(ج) از میان روایات مختلف در یک موضوع، روایت معتبرتر معیار قضاوت باشد.

در این راستا، باید گفت که بیشتر مطالب بیان شده توسط توتولی در این بخش که آن را به مفسران نسبت داده است، مخالف مبانی قرآنی و عقلی نیستند تا مایه تعجب توتولی فراهم گردد؛ مثلاً اینکه حضرت صالح (ع) در چه سنی به نبوت رسید و در چه سالی از دنیا رفت، به اصل داستان حضرت صالح (ع) آسیبی نمی‌زند. در اینجا فقط دو نقل با یکدیگر در تعارضند که مربوط به جزئیات داستان آن حضرت هستند و از اهمیت چندانی برخوردار نیستند. البته قرائنی وجود دارد که چه بسا تأییدی بر روایاتی باشند که مدت عمر حضرت صالح (ع) را طولانی‌تر ذکر کرده‌اند. یکی از آنها طولانی بودن عمر انسان‌ها به طور معمول در گذشته است.

اینکه توتولی بیان می‌کند بر اساس برخی نقل‌ها، عذاب قوم ثمود، از قبل به حضرت صالح (ع) اعلام شده بود، ضمن اینکه با مبانی سه‌گانه پیش‌گفته منافاتی ندارد، از این جهت هم که در این نقل‌ها، خداوند فرصتی را برای توبه به این قوم می‌دهد تا با مشاهده نشانه‌های عذاب، شاید از عناد خود بازگردند و به حضرت صالح (ع) ایمان بیاورند، معقول‌تر و با صفت رحمت الهی هماهنگ‌تر است.

همچنین اینکه یکی از افراد قوم، به دلیل سفر حج و اقامت محدود در مکه، برای مدتی از عذاب مصون مانده بود، باز از جهت اینکه مکه، سابقه بسیار طولانی تری نسبت به سایر مکان‌های مقدس در حرمت مکانی و مناسک دینی داشته و مورد توجه حتی بت‌پرستان نیز بوده است، اشکالی ایجاد نمی‌کند؛ چنان‌که پناهندگی مشرکان به کعبه در زمان فتح مکه توسط پیامبر (ص) نیز قرینه‌ای بر اعتقاد دیرین آنها به این مکان مقدس است.

بله اینکه در برخی کتب تاریخی، جزئیاتی درباره نام افرادی ذکر می‌شود که در قتل ماده شتر مشارکت کرده بودند، با اینکه این قبیل جزئیات هم مخالف مبانی سه‌گانه مذکور نیستند، ولی به دلیل اینکه مدت زمان بسیاری از عصر قوم ثمود تا زمان این کتب سپری شده است، احتمال خطا و افسانه‌پردازی در مورد آنها وجود دارد.

نتیجه‌گیری

پژوهش روبرتو توتولی درباره داستان حضرت صالح (ع) در قرآن، به‌رغم آنکه از جنبه روش‌شناختی، ازجمله از حیث توجه به جزئیات داستان آن حضرت و تسلط وی به آیات قرآن، حاوی نکات مثبتی است، ولی محتوای این پژوهش، با ادله قرآنی، روایی، تفسیری و تاریخی، سازگاری چندانی ندارد. اهم دیدگاه‌های توتولی درباره حضرت صالح (ع) در قرآن بدین شرح‌اند:

- قوم ثمود در منابع دیگر نیز شناخته شده، اما شواهد نام صالح (ع) بسیار نادر است.
- داستان صالح (ع) و شتر ماده، هیچ نظیری در دیگر سنت‌های دینی ندارد.
- قرآن، سرگذشت این پیامبر و رخداد‌های زمینه‌ساز عذاب و هلاکت قومش را به طور کامل روایت نمی‌کند.
- بر اساس برخی نقل‌ها، قوم ثمود، پیامبران متعددی را تکذیب کردند.
- نوع عذاب این قوم، به اشکال مختلفی روایت شده است.
- حضرت صالح (ع) به همراه شتر ماده‌ای فرستاده شد.
- سوره نمل، برخلاف سایر سوره‌ها، به داستان این شتر اشاره‌ای ندارد.
- مفسران قرآن و نویسندگان قصص الانبیاء، جزئیاتی درباره داستان صالح (ع) بیان کرده‌اند که مورد اختلاف نظر است.

اما مهم‌ترین نقدهایی که به دیدگاه‌های توتولی وارد است، عبارت‌اند از:

- بیشتر منابع تاریخی بر این نکته تأکید دارند که قوم ثمود در طول تاریخ به دلیل مهاجرت‌هایی که داشته است، در نواحی مختلف شبه جزیره عربستان، تمدن‌های متکثر و مشابهی را شکل داده است، ازاین‌رو طبیعی است که جزئیات داستان حضرت صالح (ع) و قومش، در بطن سایر تمدن‌های مشابه به فراموشی سپرده شده باشد. بنابراین بهتر

بود توتولی به جای اینکه در واقعی بودن این داستان تردید کند، تفحص بیشتری در کتب تاریخی و نیز آثار باستانی شبه جزیره عربستان انجام می‌داد و بر منابع محدود تاریخی که به کلی‌گویی پرداخته‌اند، تکیه نمی‌کرد.

- اما دیدگاه توتولی در این باره که داستان صالح (ع) و شتر ماده، هیچ نظیری در دیگر سنت‌های دینی ندارد، ناشی از عدم درک درست وی از ماهیت معجزات پیامبران است. معجزات پیامبران اولاً به فرمان خداوند صورت می‌گیرد و ثانیاً به اقتضای نیازهای زمان و درخواست مردم آن انجام می‌شود. این دو اصل، تفاوت بین معجزات پیامبران با یکدیگر را رقم می‌زنند.

- اینکه توتولی معتقد است حضرت صالح (ع) از همان ابتدای بعثت، به همراه شتر ماده فرستاده شد، با نگاهی دقیق به آیات قرآن، روایات و منابع تاریخی، کاملاً مردود است.

- ظاهراً توتولی انتظار دارد قرآن به مانند کتب یهودی و مسیحی که داستان پیامبران را با جزئیات دقیق بیان می‌کنند، عمل کند؛ درحالی‌که اولاً قرآن برخلاف این کتب، غالباً به بیان کلیات مسائل دینی، ازجمله در داستان پیامبران اکتفا کرده است و جزئیات این امور، به‌ویژه در داستان پیامبران را به بیان خود پیامبر (ص) به‌عنوان مفسر قرآن واگذار می‌کند. ثانیاً هدف اصلی قرآن در بیان داستان گذشتگان آن است که از این رهگذر، چهره‌های دینی و در رأس آنها، پیامبران را به‌عنوان الگوهای برتر جامعه معرفی کند. همچنین قرآن با بیان سرنوشت امت‌هایی که بعضاً به مخالفت با دین و رودرو شدن با این چهره‌ها پرداخته‌اند، درصدد عبرت‌آموزی است. ثالثاً بسیاری از جزئیات داستان پیامبران که در کتب یهودی و مسیحی آمده‌اند، چیزی جز افسانه‌های ساخته و پرداخته‌شده توسط عموم مردم نیستند که نسل در نسل در لسان آنها نقل شده است.

- قرآن به فراخور اهداف تربیتی خود، اجزای مختلف داستان یک پیامبر را در آیات مختلف قرآن توزیع کرده است و در این مسیر، همان اندازه از داستان را به کار می‌گیرد که در راستای این اهداف است. ازجمله این اهداف می‌توان به ارتباط هر بخشی از داستان به حادثه‌ای خاص از حوادث زمان پیامبر (ص) و مسلمانان اشاره کرد. متأسفانه توتولی نتوانسته است این ارتباط را به‌ویژه در روایت سوره شعراء درباره داستان حضرت صالح (ع) و قومش به خوبی درک کند.

- اینکه توتولی انواع عذاب مطرح‌شده در قرآن درباره قوم ثمود را با حرف «یا» به همدیگر عطف می‌کند، به این معناست که این عذاب‌ها قابل جمع با یکدیگر نیستند، ولی با کمی تأمل می‌توان امکان ذاتی جمع بین آنها را اثبات کرد.

- دلایل قرآنی و روایی بیانگر آنند که حضرت صالح (ع) از ابتدا به همراه شتر ماده فرستاده نشده است؛ بلکه خارج شدن ماده شتر از دل کوه، درخواستی بوده است که قوم صالح (ع) از وی به عنوان معجزه داشته‌اند و خداوند آن را تحقق بخشید.
- اینکه روایت سوره نمل، متفاوت از سایر سوره‌هاست و توتولی سعی دارد از این تفاوت، ناهماهنگی بین آیات قرآن را برداشت کند، به هدف این سوره بازگشت دارد که دلداری به پیامبر (ص) و مؤمنان مکه به عنوان گروهی که در اقلیت بودند و نیز هشدار است برای مشرکان لجوج مکه که سرانجام کار خویش را با عبرت از تاریخ طاغیان گذشته ببینند.
- جزئیات مطرح‌شده در برخی تفاسیر و کتب قصص الأنبياء درباره داستان حضرت صالح (ع) و قوم او، اگر مخالفتی با مبانی قرآنی و عقلی نداشته باشند، خصوصاً در زمانی که روایت معارضی هم در این زمینه نباشد، اشکالی ایجاد نمی‌کند.

فهرست منابع

- *قرآن کریم؛ ترجمه: ناصر مکارم شیرازی؛ قم، انتشارات سلیمان زاده، ۱۳۸۵ش.
- *کتاب مقدس: عهد عتیق و عهد جدید؛ ترجمه: فاضل خان همدانی؛ تهران: اساطیر، ۱۳۸۰ش.
۱. ابن عطیة الأندلسی، عبدالحق بن غالب؛ **المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز**؛ بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۳ق.
 ۲. ابن هشام، عبدالمک؛ **السیرة النبویة**؛ تحقیق: عمر عبدالسلام تدمری؛ بیروت: بی نا، ۱۴۱۰ق.
 ۳. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی؛ **روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن**؛ تحقیق: محمدجعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح؛ مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ق.
 ۴. ابو حمزه ثمالی، ثابت بن دینار؛ **تفسیر القرآن الکریم**؛ بیروت: دار المفید، ۱۴۲۰ق.
 ۵. بکری، عبدالله بن عبدالعزیز؛ **معجم ما استعجم**؛ تحقیق: مصطفی سقا؛ بیروت: بی نا، ۱۴۰۳ق.
 ۶. بتنونی، محمد لیب؛ **سفرنامه حجاز**؛ ترجمه: هادی انصاری؛ تهران: نشر مشعر، ۱۳۸۱ش.
 ۷. بحرانی، هاشم؛ **البرهان فی تفسیر القرآن**؛ تهران: بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ق.
 ۸. ثقفی تهرانی، محمد؛ **تفسیر روان جاوید**؛ تهران: انتشارات برهان، ۱۳۹۸ش.
 ۹. حقی بروسوی، اسماعیل؛ **تفسیر روح البیان**؛ بیروت: دار الفکر، بی تا.
 ۱۰. خامه گر، محمد؛ **مجموعه کامل ساختار سوره های قرآن کریم**؛ قم: نشر، ۱۳۹۲ش.
 ۱۱. دروزه، محمد عزت؛ **التفسیر الحدیث**؛ قاهره: دار احیاء الکتب العربیه، ۱۳۸۳ق.
 ۱۲. رامین نژاد، رامین؛ **مزار پیامبران**؛ مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۸۷ش.
 ۱۳. طباطبایی، سید محمد حسین؛ **المیزان فی تفسیر القرآن**؛ بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ق.
 ۱۴. طبرسی، فضل بن حسن؛ **مجمع البیان لعلوم القرآن**؛ تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
 ۱۵. طبری، محمد بن جریر؛ **تاریخ الأمم و الرسل و الملوک**؛ ترجمه: ابوالقاسم پاینده؛ تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۲ش.
 ۱۶. علی، جواد؛ **المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام**؛ بیروت: دار العلم للملایین، ۱۹۷۶م.
 ۱۷. فیض کاشانی، ملا محسن؛ **الاصفی فی تفسیر القرآن**؛ قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۱۸ق.
 ۱۸. فیض کاشانی، ملا محسن؛ **تفسیر الصافی**؛ تحقیق: حسین اعلمی؛ تهران: مکتبه الصدر، ۱۴۱۵ق.
 ۱۹. قرشی، علی اکبر؛ **تفسیر احسن الحدیث**؛ تهران: بنیاد بعثت، ۱۳۷۷ش.
 ۲۰. قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا؛ **تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب**؛ قم: دار الغدير، ۱۴۲۳ق.
 ۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب؛ **الکافی**؛ تحقیق: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی؛ تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
 ۲۲. مجلسی، محمد باقر؛ **بحار الأنوار**؛ بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ق.

۲۳. مهران، محمد بیومی؛ *بررسی تاریخی قصص قرآن*؛ ترجمه: سید محمد راستگو؛ تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۳ ش.

۲۴. مکارم شیرازی، ناصر؛ *تفسیر نمونه*؛ تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ ش.

۲۵. یاقوت حموی، یاقوت بن عبدالله؛ *معجم البلدان*؛ بیروت: دار صادر، ۱۹۹۵ م.

26. Tottoli, Roberto (2006), «Application: narrative literature», *The Blackwell companion to the Qur'an*, edited by Andrew Rippin, Malden (MA, USA) & Oxford, Blackwell Publishing Ltd.

27. ____ (2002a), *Biblical prophets in the Qur'an and Muslim literature*, Richmond, Curzon Press.

28. ____ (2001), «Bowling and prostration», *Encyclopaedia of the Qur'an*, edited by Jane Dammen McAuliffe, Leiden, Brill.

29. ____ (2002b), «Elijah», *Encyclopaedia of the Qur'an*, edited by Jane Dammen McAuliffe, Leiden, Brill.

30. ____ (2002c), «Elisha», *Encyclopaedia of the Qur'an*, edited by Jane Dammen McAuliffe, Leiden, Brill.

31. ____ (2002d), «Ezekiel», *Encyclopaedia of the Qur'an*, edited by Jane Dammen McAuliffe, Leiden, Brill.

32. ____ (2002e), «'Imrān», *Encyclopaedia of the Qur'an*, edited by Jane Dammen McAuliffe, Leiden, Brill.

33. ____ (2003a), «Korah», *Encyclopaedia of the Qur'an*, edited by Jane Dammen McAuliffe, Leiden, Brill.

34. ____ (2003b), «Men of the Cave», *Encyclopaedia of the Qur'an*, edited by Jane Dammen McAuliffe, Leiden, Brill.

35. ____ (1998), «Muslim attitudes towards prostration {*sujūd*}», *Studia Islamica* 88.

36. ____ (1999), «Origin and use of the term *Isrā'īliyyāt* in Muslim literature», *Arabica: Journal of Arabic and Islamic Studies* 46ii.

37. ____ (2004a), «People of the Ditch», *Encyclopaedia of the Qur'an*, edited by Jane Dammen McAuliffe, Leiden, Brill.

38. ____ (2008), «The Qur'an, Qur'anic exegesis and Muslim traditions: the case of *zamharīr* (Q. 76:13) among Hell's punishments», *Journal of Qur'anic Studies/Majallat al-Dirāsāt al-Qur'āniya* (London) 10i.